



Golestan University

Journal of Literary and Social Research

Volume 4(2), Summer 2025



Social, Literary, and Linguistic Comparison of Anvari's 'The Penurious Governor' and Parvin E'tesami's 'The Orphan's Tear'

Rahman Zare^{1*}

¹ PhD student in Persian Language and Literature, Shiraz University, Iran, Visiting Professor, Shiraz University, Shiraz, Iran, Email: rahman.zare7@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Full Paper

Article history:
Received: 2025-5-13
Accepted: 2025-6-25

Keywords:
The Penurious Governor
Anvari's Poem
The Orphan's Tear
Parvin E'tesami's Poem

ABSTRACT

Parvin E'tesami is a contemporary poet, but she writes in the style of the poets of return to literary classicism. In her poetry, E'tesami directs her attention not only to Khorasani style poets such as Nasir Khusraw and Anvari but also to Iraqi style poets like Saadi. By adopting the classical poets as their role models, the poets of return to literary classicism seek to create literary works with the same ambience and content. For instance, E'tesami composed her 'The Orphan's Tear' by imitating Anvari's 'The Penurious Governor.' By employing textual analysis, close reading, and descriptive content analysis, the current study aims to compare *The Orphan's Tear* with Anvari's 'The Penurious Governor' based on social, literary, and linguistic criteria. According to the study's findings, though E'tesami copies Anvari's poem, her poetry is more effective than Anvari's poem in terms of its more powerful imagery, flowing language, and coherent ending. The study also indicates that Anvari's poem is more effective, eloquent, and vigorous in terms of presenting morality compared with that of E'tesami. Moreover, the impact of the poet's lifetime socio-political events in some cases is visible in E'tesami's poem. In Anvari's poem, the soliloquy overwhelms the dialogue, while in that of E'tesami, the dialogue and polyphony are evident. In his poem, Anvari is a victorious preacher, while E'tesami in his poem is the defeated fighter, challenging the accuracy of her act.

Cite this article Zare, R. (2025). Social, Literary, and Linguistic Comparison of Anvari's 'The Penurious Governor' and Parvin E'tesami's 'The Orphan's Tear'. *Journal of Literary and Social Research*, 4 (2), 37-48.



©The author(s)

Publisher: Golestan University

Doi:



مقایسه زبانی، ادبی و اجتماعی قطعه «والی گدا» از انوری با قطعه «اشک یتیم» از پروین اعتصامی

رحمان زارع^{*۱}

^۱ دانش آموخته دکتری تخصصی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز، ایران / استاد مدعو دانشگاه شیراز، شیراز، ایران،
رایانامه: rahman.zare7@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله کامل علمی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۴/۵</p> <p>واژه‌های کلیدی: والی گدا قطعات انوری اشک یتیم بازگشت ادبی قطعات پروین اعتصامی</p>	<p>پروین اعتصامی از شاعران معاصر است اما شیوه شعر گفتن او به سبک شاعران بازگشت ادبی است. او در اشعارش به آثار بعضی شاعران سبک خراسانی چون ناصر خسرو و انوری و برخی شاعران سبک عراقی چون سعدی بسیار توجه می‌کند و چون شاعران دوره بازگشت، با الگوبرداری از اشعار شاعران کلاسیک، می‌کوشد آثاری با همان حال و هوا و محتوا بیافریند. برای نمونه او قطعه «اشک یتیم» را با الگوبرداری از قطعه «والی گدا»ی انوری سروده است. در این پژوهش این دو قطعه را به روش مطالعه، تحلیل متن و توصیف محتوا، از نظر زبانی، ادبی و اجتماعی بررسی و مقایسه کرده‌ایم. بررسی و مقایسه زبانی، ادبی و اجتماعی این دو قطعه، نشان می‌دهد که اگرچه پروین در سرودن این قطعه، از انوری الگو گرفته است اما به سبب تصویرپردازی قوی‌تر، زبان روان‌تر و پایان‌بندی منسجم‌تر، توانسته است اثری تأثیرگذارتر بیافریند. این مقایسه همچنین نشان می‌دهد که زبان انوری در بیان پند و اندرز در این قطعه بسیار محکم‌تر، رساتر و تأثیرگذارتر از زبان پروین است. همچنین مواردی از تأثیرگذاری شرایط زندگی شاعر و حوادث سیاسی و اجتماعی دوران معاصر را در شعر پروین اعتصامی می‌توان دید. در شعر انوری تک‌گویی بر گفتگو چیرگی دارد در حالی که در شعر پروین چندصدایی و گفتگو را مشاهده می‌کنیم. همچنین می‌بینیم که انوری در والی گدا واعظی پیروز است و پروین در اشک یتیم، مبارزی شکست خورده که در پایان کارش، حقانیت کار خود را به چالش می‌کشد.</p>

استناد: زارع، رحمان. (۱۴۰۴). مقایسه زبانی، ادبی و اجتماعی قطعه «والی گدا» از انوری با قطعه «اشک یتیم» از پروین اعتصامی. فصلنامه علمی پژوهش‌های ادبی و اجتماعی، ۴ (۲)، ۳۵-۴۶.

Doi:

ناشر: دانشگاه گلستان
© نویسندگان.



مقدمه

در تاریخ ادبیات فارسی، شاعران، بسیار به آثار پیشینیان و معاصران خویش توجه داشته‌اند و در آفرینش اشعار خویش از اندیشه‌ها و آثار ایشان الگوبرداری می‌کرده‌اند و گاه اشعار خویش را در جواب اشعار دیگر شاعران می‌سروده‌اند. در دوران تطور شعر فارسی، دوره بازگشت ادبی که پس از ضعیف شدن سبک هندی، پدید آمد، اوج این الگوبرداری‌ها بود. در این دوره بسیاری از شاعران معاصر با الگوبرداری از شاعران سبک‌های خراسانی و عراقی به سرودن قصیده و غزل با همان حال و هوا و محتوا پرداختند. پروین اعتصامی یکی از ادامه دهندگان سبک بازگشت ادبی است، هرچند اشعار او، زبانی امروزی‌تر دارد. یکی از بنام‌ترین اشعار پروین، قطعه «اشک یتیم» است که آن را با الگوبرداری از قطعه «والی گدا»ی انوری سروده است. در این پژوهش این دو قطعه را از نظر زبانی، ادبی و اجتماعی مقایسه کرده‌ایم. در این پژوهش منظور ما مقایسه قدرت شاعری پروین و انوری نیست؛ بلکه این مقایسه از این جهت است که «امروز، در علوم اجتماعی عموماً و در نظریه‌های دبستان‌ساخت یا ساختار، خصوصاً، تأثیر عامل‌ها و تحولات اجتماعی و فرهنگی را بر ادبیات اصل دانسته و در متن قرار می‌دهند» (روح‌الامینی، ۱۳۷۵: ۱۸۲). و باید پذیرفت که «ادبیات بازتابی از جامعه و وضع آن است... ادبیات در خلا به وجود نمی‌آید و هیچ نویسنده‌ای نیز بی‌تأثیر از اوضاع زمانه‌اش نیست» (فرهمندفر، ۱۴۰۱: ۷).

روش پژوهش

این پژوهش به روش مطالعه، تحلیل متون و توصیف محتوا انجام گرفته است. برای انجام این کار ابتدا هر دو قطعه را از نظر زبانی بررسی و مقایسه کرده‌ایم. سپس به بررسی چگونگی پردازش ادبی این دو قطعه پرداخته‌ایم و در مرحله سوم محتوا و پیام قطعات را بررسی، تحلیل و مقایسه کرده‌ایم.

ضرورت پژوهش

مقایسه اشعار شاعران دوره‌های تاریخی و سبک‌های مختلف ادبی، می‌تواند نقاط ضعف و قوت شعر فارسی را در دوران مختلف ارزیابی و روشن نماید. یکی از بهترین نمونه‌های ادبی برای انجام این کار، مقایسه اشعار شاعران دوره بازگشت با شاعران کلاسیک است؛ زیرا در این دوره شاعران می‌کوشند با حفظ زبان امروزی خود، با الگوبرداری و تقلید از پیشینیان، آثاری مانند شاعرانی که در صدها سال پیش می‌زیسته‌اند، بیافرینند. برای چنین مقایسه‌هایی، مقایسه موردی اشعار معاصر با اشعار پیشینیان که اثر از آن‌ها الگوبرداری شده است، بهتر، بیشتر و دقیق‌تر از هر روش دیگری سودمند خواهد بود.

پیشینه پژوهش

درباره سبک بازگشت ادبی و شاعران این دوره کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته شده است. همچنین درباره آثار انوری و اشعار پروین اعتصامی نیز مقالات فراوانی در دسترس است. اما تعداد مقالاتی که به بررسی قطعه‌های والی گدا یا اشک یتیم پرداخته‌اند، بسیار اندک هستند که بعضی از آن‌ها به شرح زیرند:

نوروزی، علی؛ شوقی، طلیعه (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی پدیده فقر در اشک یتیم پروین اعتصامی و تنویمه الجیاع محمد مهدی جواهری»، چگونگی پرداختن به مسئله فقر را در آثار یاد شده تحلیل و مقایسه کرده‌اند. صدراپی، رقیه (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل آموزه‌های تعلیمی در بررسی بینامتنی دو اثر پروین اعتصامی و انوری» به مقایسه و بررسی نکته‌های اخلاقی و تعلیمی در دو قطعه والی گدا و اشک یتیم پرداخته است. نویسنده در این مقاله به موضوع تحلیل آموزه‌های تعلیمی بینامتنی و ضرورت آن از نگاه دو شاعر یاد شده پرداخته است. رویکرد تحلیلی ایشان در آن مقاله با رویکرد ما در مقایسه زبانی و ادبی و اجتماعی بسیار متفاوت است.

صابری مقدم، سیدسعید؛ شریفیان، مهدی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل انتقادی گفتمان انوری در قطعه‌ی والی گدا بر اساس رویکر نورمن فرکلاف» به بررسی و تحلیل گفتمان انوری و چگونگی انتقاد او از اوضاع اجتماعی و سیاسی حاکم بر عصر او پرداخته‌اند. قاسمی، طاهر (۱۴۰۲) به بررسی تطبیقی داستان اشک یتیم پروین اعتصامی و داستان فرمیسکی هه‌تو از هه‌ژار موکریانی، شاعر معاصر کرد، پرداخته است. با جستجو در آثار منتشر شده می‌بینیم که با وجود اینکه الگوبرداری قطعه‌ی اشک یتیم پروین از قطعه‌ی والی گدای انوری، کاملاً آشکار و مشهور است اما تا کنون در هیچ پژوهشی این دو اثر از نظر زبانی، ادبی و اجتماعی با یکدیگر مقایسه نشده‌اند.

بررسی و تحلیل آثار

قطعه‌ی والی گدا

گفت کین والی شهر ما گدایی بی‌حیاست
صد چو ما را روزها بل سال‌ها برگ و نواست
آن همه برگ و نوا دانی که آنجا از کجاست
لعل و یاقوت ستامش خون ایتام شماست
گر بجویی تا به مغز استخوانش زان ماست
زان که گر ده نام باشد یک حقیقت را رواست
هر که خواهد گر سلیمان است و گر قارون گداست
(انوری، ۱۳۴۰: ۵۲۸)

آن شنیدستی که روزی زیرکی با ابله‌ی
گفت چون باشد گدا آن کز کلاهش تکمه‌ای
گفتش ای مسکین غلط اینک از اینجا کرده‌ای
در و مروارید طوقش اشک اطفال من است
او که تا آب سبو پیوسته از ما خواسته‌ست
خواستن کدیه است خواهی عشر خوان خواهی خراج
چون گدایی چیز دیگر نیست جز خواهندگی

قطعه‌ی اشک یتیم

فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خاست
کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاست
پیداست آن قدر که متاعی گرانبهاست
این اشک دیده‌ی من و خون دل شماست
این گرگ سال‌هاست که با گله‌ی آشناست
آن پادشا که مال رعیت خورد گداست
تا بنگری که روشنی گوهر از کجاست
کو آنچنان کسی که زنجرد ز حرف راست
(پروین اعتصامی، ۲۵۳۵: ۷۹)

روزی گذشت پادشاهی از گذرگهی
پرسید زان میانه یکی کودک یتیم
آن یک جواب داد چه دانیم ما که چیست
نزدیک رفت پیرزنی گوژپشت و گفت
ما را به رخت و چوب شبانی فریفته است
آن پارسا که ده خرد و ملک رهزن است
بر قطره‌ی سرشک یتیمان نظاره کن
پروین به کجروان سخن از راستی چه سود

شبهت‌های کلی دو قطعه‌ی والی گدا و اشک یتیم

هر دو شعر در قالب قطعه سروده شده‌اند و از نظر طول شعر نزدیک به هم هستند و پروین تنها یک بیت بیشتر سروده است. قافیه هر دو شعر یکسان است و پروین در قافیه‌بندی شعرش بر اقتضای شعر انوری رفته و دو تا از قافیه‌های قطعه‌ی انوری را عیناً آورده است و اگر «شماست و ماست» را هم در نظر بگیریم، می‌توان گفت پروین در نزدیک به چهل و سه درصد قافیه‌های اشک یتیم با والی گدای انوری همراهی کرده است. از نظر محتوا نیز بن‌مایه و بخش نخست گفتگوهای هر دو داستان به یک موضوع اشاره دارد. در داستان انوری فردی زیرک به مسکینی نادان می‌گوید دارایی و ثروت والی از اشک کودکان من و خون دل یتیمان شما به دست آمده است. یعنی ثروت او حاصل رنج و اندوه و مصیبت‌های مردم فرودست است. در شعر پروین نیز بن‌مایه‌ی داستان به همین موضوع اشاره دارد و پیرزن

به کودک یتیم می‌گوید که تابناکی گوهری که روی تاج پادشاست، نتیجه دردها و رنج‌های ما و به عبارتی اشک دیده من و خون دل شماست.

مقایسه و تحلیل زبانی قطعات والی گدا و اشک یتیم

حضور واژه‌هایی چون: «شنیدستی، طوق، ستام، والی، بل، اینک و سبو» و کاربرد «گفتش» در معنای «به او گفت» که در زمان انوری رایج بوده اما در زمان ما مهجور شده‌اند، موجب شده قطعه انوری زبان کهنه‌تری نسبت به قطعه پروین داشته باشد که البته این امر با توجه به زمان سرایش شعرها امری طبیعی است. استفاده فراوان از ضمیرهای اشاره و تکرار آن‌ها که به منظور پر کردن وزن شعر صورت گرفته، از روانی و صلابت سخن انوری کاسته است. این اتفاق به ویژه در بیت سوم با چهار ضمیر اشاره «اینک، اینجا، آن، آنجا» به روشنی موجب سستی سخن او شده است. انوری در مجموع هفت بیت، نه بار از ضمیرهای اشاره «آن و این» استفاده کرده است. البته پروین اعتصامی نیز در هشت بیت، هشت بار از این ضمیرهای اشاره بهره برده است، اما به سبب استفاده مناسب و به جای آن‌ها، سخنش آسیب ندیده و از صلابت آن کاسته نشده است. انسجام و استحکام سخن در بیت سوم انوری بسیار ضعیف است تا جایی که او در مصراع اول می‌گوید: «گفتش ای مسکین غلط اینک از اینجا کرده‌ای»، سیاق سخن چنین است که انوری باید در مصراع بعد دلیلی ارائه کند و علت اشتباه مسکین را توضیح دهد، اما او در ادامه پرسشی مطرح کرده است «آن همه برگ و نوا دانی که آنجا از کجاست؟» با کمی دقت گسستی معنایی میان دو مصراع دیده می‌شود. زبان انوری در دو بیت پایانی که به نتیجه‌گیری و موعظه پرداخته بسیار مستحکم و استوار است. استفاده او از افعال خبری و تأکید بر درستی ادعایش، سخن او را چنان اثرگذار کرده است که مخاطب را در برابر او تسلیم و ناچار به پذیرش می‌کند. شاید به همین سبب است که در پایان شعر از مخاطب و مسکین شنونده سخن مرد زیرک هیچ اثری دیده نمی‌شود. او در بیت ششم ابتدا ادعا می‌کند که «خواستن کدیه است» آنگاه برای تأکید می‌گوید هر گونه خواستنی کدیه است و هیچ استثنایی وجود ندارد، خواستن گدایی است، خواه اسمش را عشر بگذاری و به عنوان زکات دینی بستانی، خواه اسمش را خراج بگذاری و به عنوان مالیات حکومتی از دیگران درخواست کنی. او این مضمون را برای تأکید بیشتر در بیت پایانی تکرار می‌کند و با اشاره به ثروت افسانه‌ای قارون و سلیمان بر اثرگذاری آن می‌افزاید و نتیجه داستان قطعه‌اش را در مصراع پایانی یکجا و با قدرتی تمام ارائه می‌کند.

چون گدایی چیز دیگر نیست جز خواهندگی هر که خواهد گر سلیمان است و گر قارون گداست

بی‌گمان ابیات پایانی شعر انوری به سبب همین فخامت و استواری زبان و تأکید چندباره بر ابیات پایانی شعر اعتصامی چیرگی دارد. در بخش مقایسه محتوایی در این باره بیشتر سخن گفته‌ایم.

زبان پروین در برخی ابیات زبانی کنایی و گاه تند است. پارسای راهزن و استعاره گرگ به عنوان پادشاه در حالی که لباس شبانی پوشیده است، یا توصیه به نگاه کردن به اشک یتیم برای پیدا کردن دلیل تابناکی گوهر پادشاه نمونه‌هایی از به کارگیری طعن و کنایه در این شعر اوست. در حالی که انوری بدون هیچ کنایه و استعاره و طعنه‌ای سخن خود را آشکار و ساده و روشن بیان کرده است.

«یکی از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار، کاربرد جملات خبری در متون است که چینش و استفاده چنین واژگانی برای نویسنده مفهوم و معنای ویژه دارد. نویسنده در جملات خبری با قاطعیت و بدون تردید، به بیان موقعیت و گفتمان می‌پردازد» (صابری مقدم، ۱۴۰۲: ۱۳۲). همچنین می‌توان گفت: «بسامد بالای وجه اخباری، قطعیت متن را بالا می‌برد و نشان‌دهنده میزان پایبندی نویسنده به حقیقت گزاره‌هاست» (قربانی جویباری، ۱۳۹۴: ۲۳۴). در تمام جمله‌های زیر انوری ادعای خود را با فعل خبری آورده است:

والی شهر ما گدایی بی‌حیاست

غلط اینک از اینجا کرده‌ای
 در و مروارید طوقش اشک اطفال من است
 لعل و یاقوت ستامش اشک ایتم شماس
 تا به مغز استخوانش زان ماست
 خواستن کدیه است
 گر ده نام باشد یک حقیقت را رواست
 گدایی چیز دیگر نیست جز خواهندگی
 گر سلیمان است و گر قارون گداست
 انوری هر نه ادعای خود را با فعل خبری بیان می‌کند تا نشان دهد در گفته خود تردیدی ندارد و به آنچه می‌گوید باور دارد. در شعر پروین، تعداد ادعاها کمتر است، اما همه ادعاهای او هم با فعل خبری آمده است.
 این اشک دیده من و خون دل شماس
 ما را به رخت و چوب شبانی فریفته است
 این گرگ سال‌هاست که با گله آشناست
 آن پارسا که ده خرد و ملک رهزن است
 آن پادشا که مال رعیت خورد گداست

مقایسه و تحلیل ادبی قطعات والی گدا و اشک یتیم

انوری قطعه والی گدا را بر وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن که وزن مناسبی برای داستان‌گویی است آفریده است. این وزن برای بیان ساده و روان حکایت بسیار مناسب است. مثنوی مولانا نیز با یک رکن کمتر در همین بحر است. پروین اشک یتیم را بر وزن مفعول فاعلاتن فاعلن که وزن دشوارتری است سروده است. وزن شعر پروین در مقایسه با وزن شعر انوری به سبب تراکم بیشتر هجاهای کوتاه، سخت‌تر است. پروین اعتصامی در پرداخت اشک یتیم بیشتر از انوری به تصویرپردازی و ارائه ادبی سخن خود توجه کرده است. انوری داستان را با گفتگوی دو نفر درباره والی شهر پیش می‌برد و گفتگوی کوتاه آن دو را برای مخاطب نقل می‌کند اما پروین داستان را به صورت حکایتی برای مخاطب بیان می‌کند. آغاز کلام انوری چنین است که آیا آن ماجرا را شنیده‌ای که روزی زیرکی به ابلهی گفت که والی شهر ما گدای بی‌حیایی است؛ اما پروین می‌گوید: روزی پادشاهی از گذرگاهی می‌گذشت و مردم به تماشای پادشاه جمع آمده بودند و غوغایی بود. آشکار است که شیوه پروین برای مخاطب لذت بخش‌تر است و نه تنها او را بیشتر به شنیدن داستان ترغیب می‌کند بلکه داستان را برای او مجسم می‌کند. توجه پروین به تصویرپردازی موجب شده است او بسیار بیشتر از انوری به توصیف بپردازد. در شعر انوری تنها سه صفت ساده برای سه شخصیت داستان آمده است؛ مرد زیرک، مسکین ابله، والی بی‌حیا؛ اما در شعر پروین علاوه بر توصیف‌ها گاه اعمال شخصیت‌های داستان نیز شرح داده شده است. تصویرها و توصیف‌های شعر پروین به شرح زیرند:

تصویر ۱: گذر کردن پادشاه از گذرگاه در روز

تصویر ۲: برخاستن فریاد شوق از هر کوی و بامی

تصویر ۳: کودکی که از میان جمعیت سؤالی می‌پرسد/ توصیف ۱: یتیم بودن کودک

تصویر ۴: تابناکی تاج پادشاه

تصویر ۵: نزدیک رفتن پیرزن/ توصیف ۲: گوژپستی پیرزن

می‌بینیم که در شعر پروین نسبت به شعر انوری، تصویرپردازی قوی‌تر و بیان داستان دیداری‌تر است. در شعر پروین، گویی شاعر خود ماجرا را دیده است و اکنون دارد برای مخاطباناش خاطره آن روز را بیان می‌کند.

در شعر پروین استفاده از تمثیل شبان گرگ و گله و تناسب چوب، شبان، گرگ و گله بر پردازش ادبی داستان افزوده است.

ما را به رخت و چوب شبانی فریفته است این گرگ سالهاست که با گله آشناست

همچنین استفاده از واژه تاج که مخصوص سلطنت و پادشاه است در شعر پروین در برابر استفاده از عبارت تکمه کلاه در شعر انوری، بر قوت و عمق توصیف دارایی پادشاه افزوده است.

پروین در ادامه الگو برداری از انوری که هر خواستنی را کدیه می‌داند، بیت زیر را سروده است:

هر پارسا که ده خرد و ملک رهزن است هر پادشا که مال رعیت خورد گداست

در تصویر انوری بحث دین و دنیا در واژه‌های «عشر و خراج» بیان شده و انوری گفته است آنچه از مردم بگیرند به هر نامی که خوانده شود نوعی گدایی است و خواندن آن به نام‌های مختلف تفاوتی در اصل موضوع ایجاد نمی‌کند اما پروین دین و دنیا را به صورت تقابل‌های چندگانه در واژه‌های «پارسا و پادشا»، «پارسا و راهزن» و «پادشاه و رعیت» آورده و آنگاه پارادوکس‌های پارسای راهزن و پادشاه گدا را آفریده است. این پارادوکس‌ها بر غنای ادبی شعر پروین افزوده است. در بیت پایانی نیز تقابل موجود در واژه‌های کجروان و سخن راست و تکرار راست بر غنای ادبی شعر افزوده است.

مقایسه و تحلیل اجتماعی قطعات والی گدا و اشک یتیم

در هر دو قطعه شاهد جامعه‌ای طبقاتی هستیم؛ والی و پادشاه؛ طبقه‌ای هستند که در ناز و نعمت غوطه‌ورند و در مقابل آن‌ها مسکین و زیرک شعر انوری و کودک یتیم، کسی که در میان جمعیت پاسخ کودک را می‌دهد، پیرزن گوژپشت و رعیت در شعر پروین، طبقه فرودست جامعه را نمایندگی می‌کنند. نظام طبقاتی حاکم در اشعار، موجب ایجاد تقابل‌های دوگانه در این اشعار می‌شود؛ تقابل مسکین و والی، فقیر و غنی، عشر خواه و خراج خواه با عشر دهنده و خراج دهنده در شعر انوری و تقابل پادشاه و رعیت، فقیر و غنی، گرگ و گله، سرخی اشک یتیم و تابناکی گوهر تاج پادشاه و راستی و کجی در شعر پروین نمودها و نشانه‌هایی از این تقابل‌های طبقاتی است. این تقابل‌ها موجب جبهه‌گیری و مرزبندی میان طبقات مردم در جامعه می‌شود؛ این مرزبندی در شعر انوری میان «من و شما» با «او» مشاهده می‌شود و در بیت پنجم شعر پروین میان «ما و این گرگ در استعاره از پادشاه».

هر دو قطعه والی گدا و اشک یتیم اشعاری انتقادی و اجتماعی هستند که به بیان ظلم و ستم پادشاهان و حاکمان می‌پردازند. پادشاهان و حاکمانی که با گرفتن خراج‌های گزاف از مردم به دارایی و ثروت خود می‌افزایند. در شعر انوری مرد مسکینی که انوری او را نادان و ابله معرفی می‌کند نماد مردمی است که فریفته تجمل و دارایی حاکم می‌شوند و به این سبب او را گرمی می‌دارند بی آنکه لحظه‌ای بیندیشند که دارایی حاکم نتیجه ستمگری او در حق خودشان است. انوری این نادانی را در بیت دوم چنین بیان کرده است:

گفت چون باشد گدا آن کز کلاهش تکمه‌ای صد چو ما را روزها بل سالها برگ و نواست

این شخص نمی‌داند که حاصل دسترنج اوست که گنج و ثروت والی شده است. پروین اعتصامی این نادانی اجتماعی را در رفتار جمعی مردم به تصویر کشیده است. آن وقتی که هنگام گذر پادشاه، مردم با شور و غوغا و هیجان در کوچه و بازار جمع می‌شوند و از انبوهی جمعیت، گروهی به پشت بام‌ها می‌روند تا به تماشای پادشاه بایستند.

روزی گذشت پادشاهی از گذرگهی فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خاست

به کار بردن عبارت «فریاد شوق» نشان می‌دهد که مردم ناآگاه نه تنها از دیدن پادشاه ظالم خونشان نمی‌جوشد و خشمشان در مشتشان گره نمی‌گردد، بلکه خوشحال و ذوق‌زده هم می‌شوند. انوری داستان را با تک‌گویی مرد دانا و توضیحات او برای مسکین ابله پیش می‌برد، زیرا در زمانه او هنوز گفتگوی گروهی شکل نگرفته است و چندصدایی بی‌معناست. اما پروین در بیان ادامه ماجرا از چند شخصیت دیگر بهره می‌گیرد که نشان دهنده آغازین روزهای شکل گرفتن صداهای متعدد و چندصدایی در جامعه است.

صداهای شعر انوری:

صدای شاعر که راوی داستان است: آن شنیدستی...

صدای زیرک: گفت کین والی شهر ما گدایی بی‌حیاست...

صدای ابله: تمام بیت دوم: گفت چون باشد گدا...

صدای زیرک: بیت‌های ۴ تا ۷.

صداهای شعر پروین:

صدای شاعر که راوی داستان است: روزی گذشت پادشهی از گذرگهی...

صدای مردم: صدای شور و هیجان مردم: فریاد شوق از سر هر کوی و بام خاست

صدای کودک یتیم: پرسید زان میانه یکی کودک یتیم...

صدای یکی از مردم: آن یک جواب داد چه دانیم ما که چیست...

صدای راوی: در شرح داستان: نزدیک رفت پیرزنی گوژپشت و گفت... و بیت‌های ۵ تا ۷.

صدای درونی شاعر: پروین به کجروان سخن از راستی چه سود...

تنوع صداها در شعر پروین دو برابر تنوع صداها در شعر انوری است. زیستن پروین در دوران مشروطه می‌تواند به صورت ناخودآگاه یا غیرمستقیم در این اتفاق تأثیر داشته باشد. پروین اعتصامی برای پیشبرد داستان از سؤال کودکی که در میانه جمعیت تماشاچی حضور دارد، استفاده می‌کند. حضور کودک در این جمعیت و پرسش او، یاد آور حکایت پادشاه عریان و سکوت مردم است. جایی که به سبب ترس از آبروریزی و تهمت حرامزادگی کسی جرأت نداشت درباره برهنگی پادشاه سخنی بگوید، تا اینکه کودکی پرسید چرا پادشاه لخت است. خفقان جامعه و سکوت همراه با جهل مردم، پروین را بر آن داشته است تا سؤال را بر زبان کودکی بگذارد. کودکی که می‌تواند نسل مطالبه‌گر آینده نیز باشد. کودک یتیم است و این توصیف بار عاطفی پرسش را پررنگ‌تر می‌کند. کودک از چیستی گوهر تابناک روی تاج پادشاه سؤال می‌پرسد. کسی که همانند مرد ابله شعر انوری است، می‌گوید ما چه می‌دانیم که آن چیست، اما آنقدر پیداست و می‌توان حدس زد که متاعی بسیار با ارزش است. این پرسش و پاسخ نشان دهنده فقر مردم در حکومت ظالم است، زیرا آن‌ها نه گوهر دیده‌اند و نه آن را می‌شناسند. این پاسخ همچنین بیانگر جهل مردم نسبت به ستمی است که بر آن‌ها می‌رود. حال صدای دیگری وارد کادر تصویرپردازی پروین می‌شود. پیرزنی گوژپشت که پیری او نماد دانایی و تجربه اوست و گوژپستی او برای بیان رنج‌هایی که در طول عمر کشیده توصیف مناسبی است؛ وارد صحنه می‌شود و بر صداهای موجود در شعر می‌افزاید. او چون شخص زیرک شعر انوری، گوهر تابناک تاج پادشاه را حاصل رنج‌ها و خون دل‌های مردم می‌داند.

نزدیک رفت پیرزنی گوژپشت و گفت این اشک دیده من و خون دل شماسست

و آنگاه با بیت زیر که یادآور سخن حکمت‌آمیز امیرالمومنین علی(ع) است که فرمودند: «فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ» (نهج‌البلغه، حکمت ۳۲۸) می‌گوید:

بر قطره سرشک یتیمان نظاره کن تا بنگری که روشنی گوهر از کجاست

از اینجای داستان به بعد رویکردهای انوری و پروین با یکدیگر تغییر می‌کند. انوری به پند و اندرز روی می‌آورد و خواجه‌اندگی را از نظر اخلاقی نکوهش می‌کند اما پروین به انتقاد اجتماعی می‌پردازد و پادشاهان و پارسایانی را که با دسترنج رعیت، می‌زیند شماتت می‌کند. انوری هر گونه خواستنی را گدایی دانسته و از نظر اخلاقی گدایی را زشت می‌شمارد و میان وجوهات مذهبی که مدعیان دین به عنوان عشر یا ده‌ها نام دیگر از مردم می‌ستانند و خراجی که حاکمان به عنوان مالیات از مردم می‌گیرند، تفاوتی قائل نمی‌شود. پروین با زبانی تندتر پارسایی را که به دنیا می‌پردازد راهزن و پادشاهی را که مال رعیت می‌خورد گدا می‌نامد.

انوری فعل خواجه‌اندگی را مجهول می‌آورد، زیرا او کنش و رفتار را مهم‌تر از کنشگر در نظر گرفته است. این شیوه بسیار مناسب و عطف است؛ زیرا در وعظ، هدف و اعطای اصلاح عمل افراد است. همین کار را پروین در بیت ششم کرده است. او «آن پارسا» و «آن پادشا» را مجهول آورده است تا نه اینکه پارسا یا پادشاه خاصی را نکوهیده باشد، بلکه عمل دنیاطلبی پارسایان و مال رعیت خوردن پادشاهان را زشت بشمارد.

نکته مهم دیگر در نتیجه‌گیری کلی دو روایت است: در زمان انوری فضای سیاسی و اجتماعی اجازه نمی‌دهد که انوری به سراغ مذمت پادشاه برود و مجبور است سخن خود را درباره‌ی والی که مقام به مراتب پایین‌تری دارد بیان کند تا سر سبز خود را بر باد نهد، پس او نتیجه می‌گیرد که والی هم به گونه‌ای گداسرشت است؛ نتیجه‌ای آرام و اخلاقی! اما در روزگار پروین فضای سیاسی و اجتماعی معاصر چنان تغییر کرده است که پروین نتیجه می‌گیرد که پادشاه دیگر طبق باورهای کهن ظل‌الله نیست و فرّه ایزدی ندارد و سلطان چوپان رعیت نیست، بلکه با صراحتی آشکار سلطان را گرگی می‌داند که به جان رعیت افتاده است؛ پس نتیجه‌گیری پروین بشدت سیاسی و عصیانگرانه است.

انوری پس از پند و اندرز استوار و قاطع خود و با نتیجه‌گیری اخلاقی و بیان این که خواستن از خلق نکوهیده است، پیروزمندانه (در مناظره زیرک و مسکین) داستان را به پایان می‌رساند اما پروین با آه و افسوس، اظهار می‌کند که در بیان این سخنان سودی نیست زیرا همه از شنیدن حرف راست می‌رنجند. در شعر انوری داستان با لحنی ملایم آغاز شده و با صدای رسای واعظی به اوج رسیده و در همان اوج به پایان می‌رسد اما در داستان پروین، شعر با لحنی نرم و ملایم آغاز شده، با نیش و کنایه‌هایی تند بلند می‌شود و در بیت هفتم از اوج آن کاسته می‌شود. در بیت هشتم آنقدر صدا پایین می‌آید که با خودگویی و صدای درونی شاعر پایان می‌گیرد. مانند انقلاب‌ها که با زمزمه‌ها آغاز می‌شوند، با شعارها اوج می‌گیرند و پس از افول، در خیال و وجدان مبارزان شکست خورده، درستی و حقانیت آن‌ها به چالش کشیده می‌شود. در قطعه پروین، گویا شاعر در پایان مخاطبی جز خود ندارد و با آوردن تخلص به نصیحت خود می‌پردازد، نصیحتی که برخلاف کلیت شعر، او را به سکوت و تماشا فرا می‌خواند. این دعوت به سکوت بی‌شک حاصل تجربه‌های تلخ و شکست‌های متعدد فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی روشنفکران در اواخر دوران قاجار و اوایل حکومت پهلوی است، دورانی که دقیقاً با دوران زندگی پروین اعتصامی همراه بوده است. می‌توان گفت انوری در والی گدا، واعظی است که بر منبر رفته و چون آنچه می‌خواسته را، گفته است، احساس پیروزی می‌کند اما پروین در اشک یتیم، مبارزی است که به میدان رفته، کوششی کرده است و شعارهایی داده است، اما چون به نتیجه دلخواه و تغییرات سیاسی و اجتماعی مد نظرش نرسیده است، احساس یأس و شکست می‌کند، پس حقانیت و درستی کار خود را به چالش می‌کشد.

زمینه‌های اجتماعی شکل‌گیری و سرایش این دو قطعه

تاریخ ایران در طول هزاران سال، دارای فراز و نشیب‌های بسیاری بوده است. تغییرات و تحولات سیاسی پیوسته بر اوضاع اجتماعی و فرهنگی جامعه اثر گذاشته است. در این زمینه می‌توان گفت که «ثبات سیاسی و حاکمیت قانون، مسیر پیشرفت ابعاد فرهنگی و مظاهر حیات اجتماعی را هموار می‌نماید و برعکس، بی‌ثباتی حاکمان، زمینه فروپاشی اجتماعی و فرهنگی را فراهم می‌آورد.» (نیری و همکار، ۱۳۹۸: ۲۰۸، ۲۰۹). در ادوار مختلف تاریخ ایران، تغییرات مهم

سیاسی و اجتماعی قرن ششم که دوران حیات انوری است و اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم که دوران حیات پروین و هم‌زمان با دوران مشروطیت است، بسیار بر شعر و ادبیات فارسی تأثیرگذار بوده‌اند.

انوری به عنوان یکی از بزرگترین شاعران تاریخ ادبیات فارسی، بسیاری از رخدادهای اجتماعی قرن ششم را در آثار خود بازتاب داده است. «او در جایگاه یک منتقد اجتماعی، از ضعف‌ها و معضلات جامعه و سیاستگذاران عصر خویش، به تندی انتقاد کرده است» (حقیقی و همکار، ۱۳۹۵: ۴۷). این‌گونه مضمون‌های اجتماعی بیشتر در قطعات او بازتاب یافته‌اند. انوری بارها در سروده‌های خویش به ستمگری حاکمان و ستمی که بر مردم می‌رود، پرداخته و در برابر بی‌عدالتی‌ها فریاد برآورده است. او در سروده‌نامه اهل خراسان از فتنه‌گران و ظلم آنان سخن گفته و از رکن‌الدین قلج طمغاج‌خان درخواست کرده است تا به کمک مردم ایران بیاید و کشور را از خرابی و ویرانی نجات دهد (نک: انوری، ۱۳۷۲/۲: ۵۹۵). او در این سروده به کشتار وحشیانه مردم به دست غزان اشاره کرده و به تعرض به جان و ناموس و تحقیر مردم اعتراض کرده است. او گاه در قصایدش به حضور عناصر نالایق در قدرت نیز اشاره کرده و از این موضوع انتقاد کرده (نک: انوری، ۱۳۷۲/۱: ۲۶) و به کارگیری کارگزاران نادان را محکوم کرده است (همان، ۷۰۱). انوری به مسائل اجتماعی دیگری چون دین ورزی، انسانیت، زوال دانش هم توجه کرده است (نک: انوری، ۱۳۷۲/۱: ۵۲۵ و ۵۲۶). شهرآشوب‌های صنفی و شهری انوری نیز بیانگر توجه او به مسائل فرهنگی و اجتماعی آن دوران است. پس می‌توان گفت که تحولات اجتماعی و مسائل جامعه برای انوری بسیار مهم بوده و اشعار او از مسائل اجتماعی بسیار تأثیر پذیرفته است (واعظ و همکار، ۱۳۹۱: ۱۳۱). برخی منتقدان چگونگی توجه انوری به مسائل اجتماعی و مردم را به دو دوره تقسیم می‌کنند؛ دوره حمایت سلجوقیان از انوری که او به عنوان شاعری درباری به مدح حاکمان و دربوزگی از ایشان می‌پرداخت و توجهی به مردم نداشت و دوره پس از حمله ترکان غز و سقوط حکومت سلطان سنجر که موجب تحول در روایات و برخی مضامین اشعار او انوری شد (نک: جوادی امام‌زاده و همکار، ۱۳۹۳: ۸۲، ۸۳). قطعه‌والی‌گدا یکی از برجسته‌ترین اشعار اجتماعی انوری و از نشانه‌های تحولات روحی اوست.

پروین در فاصله سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۳۲۰ می‌زیست؛ سال‌هایی که اوج دوران مشروطه‌خواهی بود و مردم خواستار حکومت قانون بودند. در آن دوران بود که شعر سیاسی و شعر اجتماعی در ادبیات فارسی فراگیر شد. شاعرانی چون بهار، نسیم شمال، عارف قزوینی، فرخی یزدی، میرزاده عشقی، ایرج میرزا و ابوالقاسم لاهوتی به سرودن اشعار سیاسی و وطنی پرداختند. اما پروین بیشتر به سرودن اشعار اجتماعی روی آورد و با آنکه خود از خانواده‌ای شناخته شده و مرفه بود، با سرودن قطعه‌هایی چون اشک یتیم، مست و هشیار، گنج ایمن، روح آزرده و... به بیان مشکلات و معضلات اجتماعی چون فقر، رشوه‌خواری، دزدی، شراب‌خواری، بی‌مهری مردم نسبت به هم، غارت اموال ملت، وضعیت اجتماعی زنان و... توجه بسیاری نشان داد. اشعار فراوان اجتماعی و اخلاقی پروین اجتماعی نشان می‌دهد که او «ضمن داشتن عواطف بسیار رقیق زنانه، از توجه به مسائل اجتماعی و اخلاقی جامعه خویش غافل نبوده و همچون جامعه‌شناسی، مسائل مهم جامعه خویش را از زوایای مختلف نگریسته و برای رسیدن به جامعه آرمانی قدم برداشته است» (مختاری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱). البته او نیز گاهی چون هر انسان دیگری از عدم موفقیت در ایجاد تغییرات فرهنگی و اجتماعی دلگیر و دلتنگ شده است.

نتیجه‌گیری

دوره بازگشت ادبی، یکی از مهمترین دوران‌های تطور شعر فارسی است. در این دوره شاعران معاصر می‌کوشیدند با الگوبرداری و اقتفا از اشعار شاعران بزرگ سبک‌های خراسانی و عراقی به آفرینش ادبی بپردازند. مقایسه اشعاری که به تقلید از پیشینیان سروده شده، قوت و ضعف و چگونگی تحولات اجتماعی و ادبی این دوران را برای ما آشکار می‌سازد. در مقایسه موردی شعر اشک یتیم پروین اعتصامی با شعر والی‌گدای انوری مشاهده کردیم که این آثار در سه وجه زبانی، ادبی و اجتماعی دارای شباهت‌ها و تفاوت‌های مهمی هستند؛ زبان پروین نسبت به زبان انوری امروزی‌تر است و

صلابت، انسجام و استواری کلام بهتری نسبت به انوری دارد. همچنین شعر پروین از نظر ادبی تصویری تر و دارای پرداخت بهتری است و آرایه‌های ادبی بیشتری در آن دیده می‌شود. شعر پروین نمایشی تر و شعر انوری نقلی تر است. از نظر محتوایی هر دو شعر به انتقاد اجتماعی نظر دارند اما انوری شعرش را با پند و اندرزی قاطع و استوار و صدایی رسا و پیروزمندانه به پایان برده است و به سبب فضای بسته اجتماعی نتیجه‌ای آرام و اخلاقی گرفته است که والی هم گدا طبع است؛ در حالی که پروین به پند و اندرز نپرداخته و در نتیجه فضای باز سیاسی و اجتماعی در نتیجه‌ای عصیانگرانه پادشاه را گرگی فریبکار خوانده که در لباس چوپانی مردم را می‌درد. با این همه پروین در پایان شعر از موضعی اندوهگین و شکست خورده، خود را به سکوت دعوت می‌کند. این پایان بندی می‌تواند نشان دهنده سرخوردگی‌های اجتماعی روشنفکران پس از شکست انقلاب مشروطه و دیگر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی ایشان باشد.

منابع

- اعتصامی، پروین (۲۵۳۵). دیوان اشعار، چاپ هفتم، تهران: چاپخانه محمدعلی پروین.
- انوری، اوحدالدین (۱۳۴۰). دیوان اشعار، جلد دوم: مقطعات، غزلیات، رباعیات، به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- انوری، اوحدالدین (۱۳۷۲). دیوان اشعار، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران: علمی و فرهنگی.
- حقیقی، شهین؛ کرمی، محمدحسین (۱۳۹۵). بررسی مضامین اجتماعی و سیاسی در مقطعات انوری ابیوردی، شعر پژوهی (بوستان ادب)، سال هشتم، شماره ۴: ۴۷-۷۰.
- جوادی امامزاده، هادی؛ عبیدی نیا، محمد امیر (۱۳۹۳). عناصر شریعت دوگانه شاعری انوری. شعر پژوهی (بوستان ادب)، سال ششم، شماره ۳: ۷۲-۹۳.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۵). نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی، تهران: آگه.
- صابری مقدم، سید سعید؛ شریفیان، مهدی (۱۴۰۲). تحلیل انتقادی گفتمان انوری در قطعه والی گدا بر اساس رویکرد نورمن فرکلاف. مجله شعرپژوهی (بوستان ادب). شماره اول، بهار ۱۴۰۲، پیاپی ۵۵، صص ۱۱۹-۱۴۲.
- صدراپی، رقیه (۱۳۹۵). تحلیل آموزه‌های تعلیمی در بررسی بینامتنی دو اثر (پروین اعتصامی و انوری)، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی. سال هشتم، شماره ۲۹، بهار ۱۳۹۵، صص ۱۵۳-۱۷۰.
- فرهنگدفر، مسعود (۱۴۰۱). ادبیات، فرهنگ و جامعه: درباره ادبیات معاصر فارسی، تهران: مروارید.
- قاسمی، طاهر (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی داستان (اشک یتیم) پروین اعتصامی و داستان (فرمیسکی هه‌تیو) استاد هه‌ژار موکریانی. سیزدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی، تهران.
- قربانی جویباری، کلثوم (۱۳۹۴). بازنمود هویت زنانه در مجموعه داستان حتی وقتی می‌خندیم فریبا وفا با رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف، زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، شماره ۷۹، پاییز و زمستان: ۲۱۹-۲۴۶.
- مختاری، مسروره؛ آقایی، مهرداد؛ نصیری، فرحناز (۱۳۹۵). تحلیل اندیشه‌های اجتماعی پروین اعتصامی، نخستین همایش ارتباطات، زبان و ادبیات فارسی و مطالعات زبان شناختی.
- نهج البلاغه (۱۳۸۰). ترجمه محمد دشتی، تهران: اوج علم.
- نوروزی، علی؛ شوقی، طلحه (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی پدیده فقر در «اشک یتیم» پروین اعتصامی و «تنویمه الجیاع» محمد مهدی جواهری، هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، صص ۱۹۲۲-۱۹۲۷.
- نیری، فاطمه؛ واردی، زرین تاج (۱۳۹۸). بازتاب اجتماعیات در شعر غنایی قرن ششم. (بر پایه اشعار سنایی، تنوری، خاقانی و نظامی)، شعرپژوهی، سال یازدهم، تابستان ۱۳۹۸، شماره ۲، پیاپی ۴۰: ۲۰۷-۲۲۸.
- واعظ، بتول؛ کاردل ایلواری، رقیه (۱۳۹۱). بررسی و نقد جامعه شناختی قصاید انوری، ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه شهرکرد). پاییز، شماره ۲۶: ۱۳۱-۱۵۴.

